هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

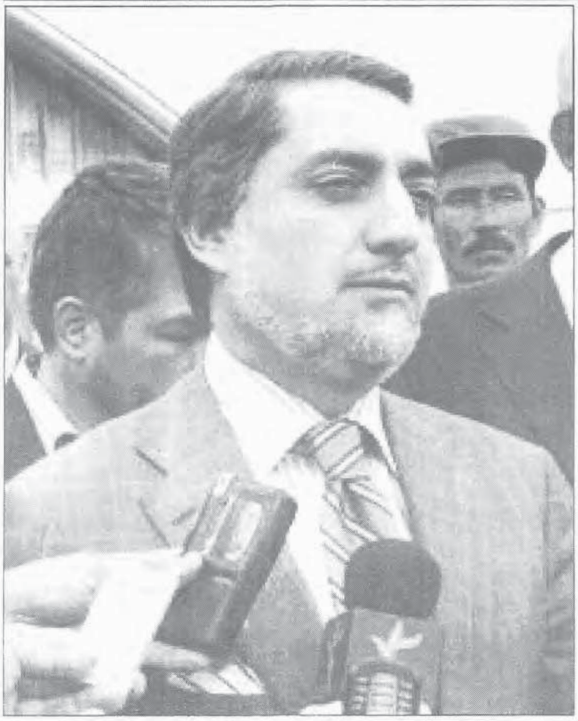
دادن پول و چوکی راه پیروزی در انتخابات نیست

ص۲

جانگداز ترین شیون!

ص۴

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ دوازدهم ۲۳ جوزا ۱۳۸۸-۱۹جمادالثانی ۱۴۳۰ - 13- June 2009



هزاران تن از اهالی غرب کابل از داکتر عبدالله حمایت کردند

در ادامهٔ حمایت های مردمی داکتر عبدالله؛ نامزد مورد حمایت جبهه ملی افغانستان برای انتخابات ریاست جمهوری، سه شنبه هفتهٔ گذشته هزاران تن از اهالی شهرکابل، در یک گردهم آیی بزرگ حمایت شان را از نامزدی داکترعبدالله اعلام کردند.

جنرال قاسمی عضو مجلس نمایندگان با بیان این که مردم دیگر فریب وعده های پوچ و میان خالی را نمی خورند، افزود: «کسی که هفت سال پیش، داد از عدالت اجتماعی، وحدت ملی، امنیت و مشارکت اقوام در بافت های سیاسی می زد، هیچ یک آن شعارها تحقق نیافته و تحقق هم نخواهد یافت.»

علی اکبر قاسمی افزود حمایت از داکتر عبدالله، حمایت از مردم ستم کشیده و رنج دیده ی مردم افغانستان است. وی اظهار داشت که در طول هفت سال با سرازیر شدن ۳۱ ملیارد دالر به افغانستان، هیچ تغییری نیامده است. به باور جنرال قاسمی، عنوان کردن ۲۰ درصد حق دادن به مردم تشیع در قدرت و دولت؛ یک امتیاز نیست؛ بل یک حق است و کسی باید با دادن این حق منت نگذارد.

سناتور عبدالاحمد زاهدی: نماینده ی مردم غزنی در مجلس سنا، دولت فعلی را یک دولت ناکارآمد خواند و افزود: با این همه ناکارآمدی های دولت، باز کسانی به نام رهبر گرم معامله بوده و حقوق قشر محروم جامعه پایمال می گردد وی تاکید کرد که اگر مردم خواسته باشند ادامه درص۷

جامعه شناسی رأی دهندگان در افغانستان



جامعه شناسی رای دهندگان در مبارزات انتخاباتی اهمیت فراوان دارد، بدون چنین شناختی تدوین و تعیین پیام ها و برنامه ها ، تشخیص ابزار و شیوه های تبلیغ و جلب حمایت رای دهندگان با موفقیت انجام نمی یابد و با وجود مصرف امکانات هنگفت، مبارزات انتخاباتی به نتیجه مطلوب نمی انجامد

ص۶

افغانستان و مشکل فساد اداری

ابوبکر سبزوار



در طول چند سال گذشته معضلهء فساد در ادارات دولت افغانستان بعنوان یکی از مهمترین چالش ها فراراه حکومتداری مردمی مورد بحث قرار گرفته و نه تنها در داخل کشور موجب اعتراض و انتقاد بوده بلکه جامعهء جهانی نیز نسبت به این پدیدهء شوم بارها صدای اعتراض خود را بلند کرده است.

در ابتدا حکومت به این مسئله توجهی نداشت و حتی این مسئله را یک چالش جدی بشمار نمی آورد اما به مرور زمان و با اوج گرفتن اعتراضات خارجیان. سرانجام آقای کرزی مجبور شد تا در این مورد تدابیری را روی دست بگیرد. کمسیونی غرض مبارزه با ارتشا و فساد اداری بمیان آمد و سروصدای زیادی برپا شد که گویا دیگر دوران اختلاس، ارتشا و رشوه ستانی به پایان رسیده و ملت باید در انتظار طرز نوینی از شیوهء حکومتداری باشند که در آن فساد جائی ندارد. ادامه درص۲

انتخابات ریاست جمهوری

ائتلاف از گفتار تا عمل

در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری، تلاش های پیهم و خستگی ناپذیر از سوی رئیس جمهور و تیم او صورت گرفت تا بار دیگر ائتلافی را شکل بدهد و نه با یک فرد و گروه بلکه با افراد و گروه های زیاد و این ائتلاف فراگیر حدو مرزی را نمی شناسد و فراتر از فراگیر بودن آن است!

ص۳

زن را و مادر را باید گرامی داشت



بسیاری از زنان تحصیکرده افغانستان به این باور اند که تشکیل وزارت زنان در کابینه کرزی یک حرکت نمایشی بوده و کرزی ظرف این سال ها ازین وزارت استفاده سیاسی نموده است ص۵

واقعی ډیموکراسی !!

یا په ډیموکراسي باندي ملنډې

داویره شته چی که چیری ولسمشر بیاهم په واک کی پاتی شی، نو ډیرامکان لری چی په اساسی قانون کی تعدیل رامنځ ته کړی او هغه هم د داوودخان د فرمایشی لوی جرگی د جوړولو په شکل! او اوسنې ولسمشربه د صفر مراد نیازوف په توگه مادام العمر ولسمشر به وي!

۳مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دادن پول و چوکی راه پیروزی در انتخابات نیست

نامزدان ریاست جمهوری افغانستان روش ها وتاکتیک های متنوعی را برای جلب حمایت رأی دهندگان درپیش گرفته اند.

آقای کرزی که قدرت را دردست دارد ودارای فرصت ها و امکانات گسترده است، ازروش ها و تاکتیک های متفاوت و متعددی استفاده می کند، برای جلب گروهای قومی و متنفذین، پول وچوکی دراختیارآن ها می گذارد، گاهی هم با طرح مسایل عاطفی و قومی برخی نامزدان را منصرف می سازد، رئیس جمهور از توزیع پول برای متنفذین محلی مانند ملکان، اربابان و قوماندانان نیز غافل نبوده است.

البته شمار دیگر از نامزدان هم، در حد امکان از تکتیک توزیع پول و وعدهٔ پست های دولت امتناع نمی کنند.

اما، آیا این روش ها می توانند باعث پیروزی کس شود؟

فکر می شود چنین سیاستی اشتباهی بیش نیست؛ برخی از سیاستمدارانی که از چندین سال بدین سو با ارباب قدرت، مخصوصاً آقای کرزی معامله می کنند، جایگاه آن ها در میان مردم، بسیار ضعیف گردیده است، چون این گروه از سیاستمداران، در گذشته پول و امکانات و چوکی هایی را که گرفتند آن را به صورت عادلانه میان اعضای شایستهٔ گروه خویش توزیع نکردند. بنا بر اعتبار آن ها در میان مردم ضربه سختی دیده است. پس از این مردم به کاندیدی رای خواهند داد که تشخیص دهند برای آینده آنها و فرزندانشان برنامه های مفیدتری دارد.

از جانب دیگرشمار افراد وشخصیت هایی که ادعای داشتن حمایت مردم و مطالبهٔ چوکی و پول را دارند کم نیستند، هیچ کس نمی تواند مطالبات همه آن ها را برآورده سازد، حتی اگر رئیس جمهور هم کلیه امکانات و چوکی های دولت را تقسیم کند، برای این همه متقاضیان، کفایت نخواهد کرد، در این حالت کسانی که از خوان یغما محروم می شوند، طبیعتاً در برابر آقای کرزی خواهند ایستاد.

باید توجه داشت که بنا بر تجربه های گذشته، این افراد سرانجام یا نمی توانند تمام وعده هایی که آقای کرزی برای شان تعهد نموده، به دست آورند و یا این که در آینده مطالبات دیگری را عنوان خواهند کرد، که بر آوردن آن برای آقای کرزی میسر نیست، چنانچه در گذشته روابط این افراد با آقای کرزی برهمین رو به تیرگی گذاشته.

نامزدان ریاست جمهوری فراموش کرده اند که آن ها نمی توانند برای همه رأی دهندگان، پول وچوکی ببخشند، آن ها باید ملتفت باشند که اکثریت رأی دهندگان کسانی هستند که در پی به دست آوردن پول و چوکی نیستند و خواسته آن ها این است که در آینده حکومت بهتر داشته باشند و از فساد و بی عدالتی و فقر نجات یابند.

روش و تکتیک دیگرمبارزات انتخاباتی البته، ارائهٔ طرح ها و برنامه های سنجیده شده و مشخص در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی است که مردم مطمئن شوند، برنامه ها و سیاست های فلان نامزد منافع مردم و کشور را تأمین می کند و افغانستان را از چالش ها و بحران های کنونی که عبارت از فقر، بیکاری، جنگ و نا امنی و سیاست های تفرقه آفرین است رهایی می بخشد. این روشی است که اکثریت قاطع رأی دهندگان را برای حمایت نامزدی متمایل می سازد و باعث پیروزی وی می شود.

افغانستان

و مشکل فساد اداری



اراکین دولت از کسانی بودند که در مورد آنان بیشترین اتهامات وجود داشت. مرحوم ذبیح الله عصمتی در مقام رئیس این کمسیون چندین باراداعاکرد که وی دوسیه های تعدادی از این اختلاس گران را به مقامات ذیربط ارسال و از آنان خواهان پیگیری شده اما تا کنون هیچ مختلس و مفسد اداری از جانب مراجع مسئول مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته است.

در آن زمان محترم محمود دقیق لوی سارنوال کشور بود و از وی بعنوان کسیکه باید در این مورد با کمسیون همکاری می نمود و به اتهامات وارده بر اراکین دولت رسیدگی می کرد و از آنان پرسش بعمل می آورد سوال شد. وی با جرئت پرده از مسایلی برداشت که عمق فساد را در دستگاه این حکومت نشان داد. دقیق گفت که من چندین مکتوب رسمی به آدرس عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت ارسال و از وی خواستم تا به لوی سارنوالی حاضر شده و به اتهامات وارده علیه خود جواب دهد، اما وی حاضر نشد.

یکروز رئیس جمهور حامدکرزی به من گفت که تو با عنایت الله قاسمی چه مشکلی داری که او را اذیت می کنی؟! من در جواب گفتم که هیچ مشکل شخصی با ایشان ندارم اما وی متهم به اختلاس است و باید به لوی سارنوالی حاضر شده و به اتهامات جواب دهد.

دفاع رئیس جمهور از عنایت الله قاسمی سبب شد که لوی سارنوال از رئیس جمهور تقاضا نماید تا این مسئله را کتبی به وی بنویسد تا مسئولین لوی سارنوالی با استناد به آن دیگر مزاحم قاسمی نشوند و قضیه به خیر وخوشی پایان یابد!

این مسئله بخوبی نشان داد که ریشهء این فساد در کجاست و از کجا آب می خورد. این قضیه را مردم ما از طریق رسانه های خبری کشور در همان زمان با تفصیل شنیدند و دانستند که اصلا مبارزه با فساد اداری جز یک شعار میان تهی چیز دیگری نیست.

در موارد دیگری هم ما شاهد اختلاس های چندین ملیون دالری بودیم که اختلاس گران با خیر وعافیت پس از اتمام خدمت به مردم! بکس خود را بسته به کشوری که از آنجا آمده بودند برگشتند. نادر آتش یکی از همین افراد بود که از جانب آقای کرزی به ریاست شرکت آریانا عز تقرر حاصل نمود و بقول خلف وی مرحوم ذبیح الله عصمتی که بعد از وی به ریاست آریانا رسید و سخنان وی نیز از طریق رسانه ها منعکس گردید، آقای آتش دار و ندار شرکت آریانا را به یغما برد و از افغانستان فرار کرد. لوی سارنوال عبدالجبار ثابت گفت که وی برای گرفتاری اختلاس گران فراری از جمله نادر آتش با انترپول در تماس شده است اما به نظر می رسد که بخت با این قماش خدمتگذاران صادق وطن (!) یاراست و آنان مستجاب

در آن زمان محترم محمود دقیق لوی سارنوال کشور بود و از وی بعنوان کسیکه باید در این مورد با کمسیون همکاری می نمود و به اتهامات وارده بر اراکین دولت رسیدگی می کرد و از آنان پرسش بعمل می آورد سوال شد. وی با جرئت پرده از مسایلی برداشت که عمق فساد را در دستگاه این حکومت نشان داد. دقیق گفت که من چندین مکتوب رسمی به آدرس عنایت الله قاسمی وزیر ترانسپورت ارسال و از وی خواستم تا به لوی سارنوالی حاضر شده و به اتهامات وارده علیه خود جواب دهد، اما وی حاضر نشد.

الدعوه اند که اقای ثابت بزودی مورد خشم رئیس جمهور کرزی قرار گرفت و برکنار گردید. اکنون آتش بدون ترس از انترپول به هضم پول های اختلاس کرده در خارج مصروف است.

یکی دیگر از کسانی که به امر مبارزه با فساد اداری گماشته شدعزت الله واصفی بود. وی که پس از یک دوره ماموریت ناکام بعنوان والی فراه به این مهم برگزیده شد. گفت که من دهها دوسیهء ارتشا و فساد اراکین بلند رتبه و پائین رتبهء این دولت را به مراجع مربوط ارسال و خواهان بازخواست شده اما کسی به این مسایل توجهی ندارد.

آقای حمیدالله قادری در مقام وزیر ترانسپورت، متهم دیگری بود که هرچند در ظاهر مورد خشم رئیس جمهور قرار گرفت و در همان روزی که از کار برکنار شد، لوی سارنوالی موظف گردید تا کار های وی را مورد بازرسی قرار دهد اما بزودی این کار متوقف شد.

رئیس جمهور در اثر فشار خارجیان در کنار این کمسیون، تشکیل دیگری را هم بمیان آورد که وظیفهء مشابه داشت اما نتیجه ای از آن بدست نیامد.

سوال اینست که اگر حکومت نمی خواست علیه ارتشا و فساد اداری مبارزه نماید پس چرا مقدار دیگری پول به هدر داد و با کمسیون سازی های بی ثمر عده یی مامور و اجیر را برای یافتن اسناد شواهد اختلاس و دزدی توظیف نمود؟

جواب ساده است؛ رئیس جمهور فقط می خواست وانمود کند که علیه فساد اداری مبارزه می کند نه اینکه واقعا چنین قصدی در میان باشد. او تحت فشار خارجیان گاهی دست به چنین اقدامات می زد اما به حریفان می فهماند که مسئله جدی نیست و اگر احیانا کسانی چون سارنوال محمود دقیق بی خبر از اینکه رئیس جمهور خود حامی این قماش خلافکاران است دست به اقدام جدی می زد، از جانب رئیس جمهور به وی توصیه می شد تا مزاحم اختلاس گران محترم نشود.

لوی سارنوال سابق آقای ثابت هم به گمان اینکه علی آباد شهر است، در مورد زمین های پروژهء شهرک امان الله خان در جلال آباد دست به تحقیق زد وافشاگری نمود اما بزودی با خشم رئیس جمهور مواجه گردید. او نمی دانست که دراین پروژه برادر آقای کرزی هم شریک است.

در تمام مدت حدود هشت سال حکومت کرزی شاید چندتن از مامورین به جرم اختلاس دستگیر و برخی از آن ها محاکمه هم شدند، اما آنها کسانی بودند که بی اجازه دست به این کار زده بودند.

واقعي ډیموکراسي !!

یا په ډیموکراسي باندي ملنډې

ځپاند

د طلوع د تلویزیون کی داورځی یو مطلب سره لـه ولاړ او خوځنده انځورونو خپریږی خدای خبر، اصلی موخه به یې څه وي؟

داتبلیغاتی مطلب د داوودخان د عکس او د ۱۳۵۲ کال دچنگابښ ۲۶ په ښودلو شروع کیږی او د وخت د دولتونو د مستندو فلمونو ځوتوټې هم ښکاره کیږی!

د داوودخان او دپخواني شوروي د مشرلیوبند بریژنف لاس ورکول، د داوودخان د فرمایشی او ډرامایی لویی جرگی یوه صحنه ښودل کیږی او ورسره داهم ویل کیږی چې د چنگابښ لـه شپږویشتمی نه وروسته واقعی ډیموکراسی رامنځ ته شو!

مخکی لـه دی نه چې د دی ډول تبلیغاتو اصلی موخی ته اشاره وکړو، لازم گڼم چې دا روښانه شی چه اصلي ډیموکراسی کوم دئ؟

کـه چیری داومنو چې د داوودخان په جمهوریت (سلطنت) کی واقعی ډیموکراسی شتون درلود، معنایی داده چې لـه هغه نه مخکی یعنی د ظاهرشاه د پاچاهی به ورستی دورکی قلابی ډیموکراسی وه او اوس هم واقعی دیموکراسی شتون نلري او په درواغ د ډیموکراسي ډندورې وهو!

د داوودخان لـه غاصبانه کودتانه مخکی، په هیواد کی آزادی موجود ؤ او خلک کولاي شول چې خپل فکراو نظر په آزادانه توگه بیان کړی، آزاد مطبوعات شتون درلود او کـه څه هم د گوندونو قانون تصویب شوی نه و، خو بیاهم سیاسی ډلې موجودې وې او غونډی او مظاهرې کیدې او دحکومت له خوا اجازه وه ....

په هغه وخت کی پاچا یو کس د صدراعظم په نوم شورا ته معرفي کوله او دشورا د رای اعتماد لـه اخستلو و ورسته هغه به هیواد صدراعظم کیده او...

خو د داوودلـه کودتا نه وروسته په ټولو آزادیو او دخلکو په روا سیاسي حقونو باندی بندیزولگید. د نوی نظام فکری مخالفین بې لـه دي نه چې کوم عملي مخالفت و ښیی د پرچمیانو او خلقیانو په لمسه نیول کیدل ...

پاچاهي ختم شو، پاچا اوصدراعظم او شورا ټول لـه صحنی نه ورک شول او جمهوریت راغی! څنگه جمهوریت؟

بې مثال او بې بدیله جمهوریت! داوودخان هم د دولت رئیس او اوهم صدراعظم! داوودخان هم د دفاع وزیرو او هم د بهرنیو چارو وزیر! داوودخان هم د دولت رئیس او هم د مرکزی کمیتې مشر!

څوکالـه و وروسته د فرمایشی لـوبی جرگی ډرامه جوړه شوه او داوودخان د جمهور رئیس په حیث د ولس د واقعی استازوله خوا او د واقعی ډیموکراسی په بنه وټاکل شو!

داسی استازی چې دکلی او بانډی خلک هم ورسره پوره شناخت نه درلود او دهغه د ټاکل کیدو نه خبرنه و، بلکی د والیانو له خوا ټاکل کیدل...

ډیر ژرزندانونه لـه آزادی غوښتونکو نه ډک شو او دتعذیب، شکنجی او ځورول دوره شروع شوه.

په دی ټولو جنایاتوکی کمونستان شریک و او دوي په خپلو کتابونو او خاطراتوکی په ښکاره توگه اعتراف هم کړی وي....

نو دا وه واقعی ډیموکراسی!

اوس راځو دی پوښتنی ته چې ولي دا ډول ملنډې وهل کیږی او هغه هم په ډیموکراسی باندې ؟!

حکومت او دولسمشر ولې غواړی چې داوودخان او دهغه حکومت ته د واقعی ډیموکراسی جامه ورو اغوندي؟

داوودخان نـژدی څلـور کالـه د دولت د رئیس په توگه د اقتدار په گدی ناست ؤ او بیا د فرمایشی او ډرامایی لوی جرگی لـه خوا د ولسمشر په حیث د نورو پنځو کلونو لپاره وټاکل شو چې کـه دهغه پخوانی ملگری (کمونستان) وربانـدی کودتا نه وه کړی نو نه کاله به دپاچا و او خدای خبر چه نورچه پلانونه درلود چې تر عمره د ولسمشر به حیث پاتي شي، او...

اوسنی ولسمشر هم غواړي چې پس لـه شپږومیاشتو موقتی دوری نه اوپس لـه دوه نیمو کلو انتقالی دورې نه او پس لـه پنځو کلونو ولسمشری نه چې ټول اتـه کالـه کیږی اوس غواړي چې د نورو پنځو کلونو لپاره بیا پاچا شی چې دا اوږ د دیارلس تاریخ تـه باید پاچاهی وویل شي او نه جمهوریت!

داویره شته چې کـه چیری ولسمشر بیاهم په واک کی پاتی شی، نو ډیرامکان لری چې په اساسی قانون کی تعدیل رامنځ ته کړی او هغه هم د داوودخان د فرمایشی لـوی جرگی د جوړولو په شکل! او اوسنې ولسمشربه د صفر مراد نیازوف په توگه مادام العمر ولسمشر به وي!

کـه چیری داسې نـه وی نـو د داوودخان ستاینه او د هغـه استبداد او دیکتاتوری تـه د واقعی ډیموکراسي نوم ورکول څه معنا لري؟!

داکتر عبدالله از زبان خودش



من پنجاه سال قبل در محلهٔ کارته پروان در همین منزل (اشاره به منزل پدری اش) به دنیا آمدم. پدرم غلام محی الدین نام داشت و از قندهاربود و مادرم از پنجشیر. پدر و مادرم قبل از اینکه به کارته پروان بیاییم در ده افغانان کابل زنده گی می کردند. ما هفت خواهر و دو برادریم.

زمانی که هنوز دو سال داشتم، پدرم که مامور دولت بود، به قندهار تبدیل شد. صنف اول را در قندهار خواندم؛ اما بعداً پدرم از قندهار دوباره به کابل تبدیل شد و به دلیل مساله مکاتب مناطق گرم سیر و سرد سیر، دوباره صنف اول را درمکتب ابتداییه غازی ایوب خان کابل خواندم. این مکتب تقریبا دو صد متر از خانه ما مصافه داشت. دوران لیسه را در لیسه نادریه شامل شدم و در سال ۱۳۵۵ از لیسه نادریه فارغ و بعد از امتحان کانکور به فاکولته طب کابل کامیاب شدم.

اگر از قبله گاه مرحومم صحبت بکنم؛ ایشان بیشتر از ۴۰ سال در دولت تا مافوق رتبه خدمت کرده بودند. پس از تقاعد به حیث سناتور انتصابی در دوره آخر مشرانو جرگه ایفای وظیفه می کردند و بعد از کودتای داوود خان در سال ۱۳۵۲ زمانی که شورا لغو شد، پدرم نیز خانه نشین بود.

از فاکولته تا دیار هجرت:

دوران مکتب را همیشه در کابل زنده گی کرده و مدت هفت سال، فاکولته طب را هم در کابل خواندم. در جریان تحصیل ما در فاکولته بود که کودتای هفت ثور به وقوع پیوست و پس از آن، اتحاد شوروی به افغانستان تجاوز کرد.

البته قبل ازشمولیتم به فاکولته طب، علاقه مندی من به فاکولته ادبیات بود؛ اما در اثر تشویق خانواده و دوستان، رشته طب را انتخاب کرده و بعداً درس خود را در این رشته با اشتیاق دنبال کردم. در دوران فاکولته، اوضاع افغانستان تغییر کرد و یک وضعیت کاملاً تازه به میان آمد. ما حدود ۳۲۰ نفر همصنفی بودیم که در طول سال های تحصیل دهها نفر از همصنفی های ما سر به نیست شدند و دههای دیگر مهاجرت کردند و از افغانستان بیرون رفتند و یا هم به جبهات مجاهدین پیوستند. به یاد دارم زمانی که از فاکولته فارغ شدیم ۱۶۵ نفر بودیم.

در دوران مکتب و بیشتر در دوران فاکولته، به ورزش علاقه داشتم، باسکتبال و پینگ پانگ را بیشتر دوست داشتم و در سایر ورزش ها گاهی مشغول می بودم، باقی مشغولیتم مساله درس. در این دوران غیر از اعتصابات و تظاهراتی که از سوی محصلین صورت می گرفت، کدام فعالیت سیاسی نداشتم؛ اما در این فکر بودم - گاهی با همصنفی ها مشوره می کردم- که آیا درس را ادامه دهیم و یا به جبهات مجاهدین بپیوندیم. تعدادی از دوستان پناهنده شدند؛ اما من درسهایم را ادامه دادم و در پایان تحصیل؛ یعنی تا این که در زمستان سال ۱۳۶۲ از فاکولته فارغ شدم و چند ماهی در شفاخانه نور آموزش های عملی را از سرگذشتاندم، در کابل ماند. دوره آموزش عملی را در بخش جراحی پیش بردم، بعد رشته چشم را انتخاب کردم و مدتی در شفاخانه نور به حیث داکتر ایفای وظیفه کردم.

بعد از چند ماه انجام وظیفه در شفاخانه نور، عزم مهاجرت به پاکستان نمودم؛ البته من تنها به پاکستان رفتم و خانواده ام در کابل ماندند. در پاکستان هم در یک شفاخانه چشم، بیشتر از یک سال را کار کردم.

ادامه دارد

انتخابات ریاست جمهوری

ائتلاف از گفتار تا عمل

فقیری

رئیس جمهور کنونی به حیث رئیس ادارهٔ موقت توسط یک ائتلاف برگزیده شد و در زمان ریاست ادارهٔ انتقالی گفت که از ائتلاف خاطرهٔ خوش ندارد و نمی خواهد با کس یا گروهی ائتلاف کند! درانتخابات ریاست جمهوری پنج سال قبل نیز بارها در مصاحبه با رسانه ها تاکید کرد که از ائتلاف بیزار است و قصد ندارد با فرد یا تشکل دیگری ائتلاف کند حکومت های ائتلافی را به ضرر کشور می داند!

گریز از ائتلاف در گفتار، از سخنان همیشگی رئیس جمهور است و بارها و بارها روی آن تاکید کرده است...

در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری، تلاش های پیهم و خستگی ناپذیر از سوی رئیس جمهور و تیم او صورت گرفت تا بار دیگر ائتلافی را شکل بدهد و نه با یک فرد و گروه بلکه با افراد و گروه های زیاد و این ائتلاف فراگیر حدو مرزی را نمی شناسد و فراتر از فراگیر بودن آن است!

انتخاب معاونین و معرفی آنان در روز ثبت نام، نشان داد که رئیس جمهور تا چه اندازه در حرف ها وادعا های خود صادق است و تاچه اندازه از ائتلاف نفرت دارد.

پیوستن افراد و گروه های دیگر به رئیس جمهور و اعلام حمایت از نامزدی اودرانتخابات ریاست جمهوری، نشان دهندهٔ این واقعیت است که نفرت رئیس جمهور از ائتلاف، فقط در گفتار خلاصه می شود و هرگز وارد صحنهٔ عمل نشده و نخواهد شد!

همه می دانند که افراد و گروه های یاد شده چرا به او پیوسته اند واین مذاکرات و دیدار هایی که ماه ها طول کشید به چه منظور بوده است؟!

آیا در این دیدارها و مذاکرات فقط به مدح و ستایش رئیس جمهور پرداخته شده و از دست آوردهای پرافتخار او و حکومت او در سال های گذشته سخن رفته است؟

آیا همه دیدارکنندگان به خاطر عرض ارادت و کسب فیض از محضر مبارک به حضور او شرفیاب شده اند؟ آیا آن روزگاران نگذشته و به برکت دموکراسی موجود، همه حرف ها را در رسانه ها مطرح وگفته نمی شود؟ آیا موتلفین جدیدو یا کهن نمی گویند که چه قول و قرارهایی به آن ها دادشده و چه شرط و شروطی در میان گذاشته شده است؟

آیا بازهم رئیس جمهور از ائتلاف بیزار است و از آن انکار می کند؟

به مناسبت روز خجسته مادر

جانگداز ترین شیون!

عبدالقیوم ملکزاد

از کــدامین درد شــکوه ســردهم، از کــدامین درد جانکاه؟!

روزگــار زیـادی مــی شـد کــه دسـت جبـر واوضاع درد بـار حـاکم در سـرزمین غرقـه بـه خـونم و دسـت روزگـار نـامرد نـامردان عـاری از درد و بیگانـه از مــروت، مــرا فرســخ هـــا از وی و از خـــدمت وی، دورافگنده بود. همواره با هم میگفتیم:

بزرگتـرین آرزوی مـن ایـن اسـت کـه دیـده های ضعیف و کـم بـین را از دولـت دیـدار هـم روشـن کنیم!

صـدای لـرزان آمیختـه بـا درد و انـدوهش را از آن دور دسـت هـا و از ورای امـواج هـوا مـی شـنیدم که ملتمسانه و بی صبرانه می گفت:

دلبنـدم! خورشـید عمـرم درحـال غـروب کـردن اسـت. داغ و دوری فـراق تـو، تـوانم را از جـسم و نـور را از دیــده ام ربــوده. از ایــن پــس دو آرزو بــامن باقیست، فقط دو آرزو:

دیدارتوو داشتن توشهٔ ایمان برای عقبی!

در آن لحظـات حـساس و درد انگیـز چیـزی را که با هم می توانـستیم مبادلـه کـنیم، ندبـه بـود وفغـان بـود و هـق هـق نالـه هـای جانـسوز، مـن بـا دلـی شکسته تر از شیـشه هـای منـازل سـرزمین ویـرانم، بـا شیون استرحام آمیز، می گفتم:

- حق با شماست مادر!

فرزنـد شـرمگین و خطـا کـار و بـه خـدمت نـا رسیدهٔ شما می داند، آری! خوب می داند.

"ورا، گر دولت عالم ببخشند
برابر با نگاه مادرش نیست"

آری!«از دیدن هیچ چیـزی دلـم بـه وجـد نمـی آیـد، نظـارهٔ هـیچ تفریحگـاهی بـرمن کـشش و جذابیت ندارد. جلوهٔ هـیچ آرامـشی در خـاطر مـن نمـی تابد. دل من نیز همـواره یـک زمزمـه را بـا خـود تکـرار می کنـد، آری؛ مـادرعزیز! فقـط یـک زمزمـهٔ دلپـذیر و خـاطرخواه را درایـن دنیـای پرآشـوب و عبـرت خیـز و آن:

«زشادی جان برافشانم به پایت
اگر یک دم ببینم روی خوبت»

بـسیار دلـم مـشتاق اسـت؛ تـا چـون مـرغ سـبکبال بـه سـوی شـما پـر بکـشم و همـواره افتخـار ادای فریضهٔ خـدمت شـما را داشـته باشـم و هـر صـبح وشام؛ از دسـت هـای پـرفیض و پاهـای مبـارک تـان، با بوسـه هـای آتـشین، دانـه دانـه گـل بچیـنم و غبـار قدم های شما را توتیای چشم خود سازم!

اما...!

اما، چه کنم:

«طلب مایوس و دل کوشش تمناست
چون ساحل خشکی ام با وصل دریاست»

عاجزانــه آرزو دارم، دعــای شــما از خــاک بیچـاره گـی و دردمنـدی ام بـردارد. مـرا چنـان بـه دعای شما احتیـاج اسـت، کـه بیابـانگرد لـب تـشنهٔ بـه رمق رسیده را بـه جرعـهٔ آب، تـا بـا آن تلخـی ایـام؛ تـا به سـامانی هـای روزگـار و رنجهـای بـی شـمار را ولـو برای لحظاتی کوتاه، به دست نسیان بسپارم!

... شـنیدن شـیون غمبـارش بـه دل شـراره میافگند!

بلـی خوانـندهٔ گرامـی! رنـج دنیـا بـی حـساب اسـت، غـم و دردش را انتهـایی نیـست، آه و حـسرت هـا، تنهـا وبـیکس مانـدن هـا، مظلـوم وبیچـاره واقـع شـدن هـا، افتـادن در پـشت میلـه هـای وحـشتناک زنـدان، زنجیـر و زولانـه شـدن هـا، ناکـامی هـا، نـامرادی هـا، کـشیدن کولـه بارسـنگین وطاقـت فرسـای غربـت وبـی وسیله گـی و ناچـاری بـر دوش ... این ها همه سخت ودشـوار و جانگـداز و نیـرو سـوز و مرگبارند، ولی...

ولی، آیا می دانیـد کـه دردنـاکتراز ایـن هـا چـه خواهد بود؟

بلی!

«صدای گریهٔ مادرشنیدن»

شـیون حزینـــی، کــه از گلوگـــاه ضــعیف و مبارک او درگوش می چکد.

پس تصورباید کـرد کـه مـرگ او چقـدر سـخت و جانگـداز و دردنـاک و سـوز آفـرین اسـت؟ هرچنـد، هـیچ گریـزی از آن نیـست. همـه از جهـان میرونـد و بـه بـاور مـؤمن دلبـسته گـی بـه جهـان، خـود فریبـی است و کوتاه اندیشی.

ارشـاد پیـامبر بزرگـوار اسـلام در برابـر مـا قـرار دارد:«در دنیـا آن چنـان بـاش، کـه گویـا مسافرهـستی و رهگـذر»! در ایـن حـدیث مبـارک از راوی آمـده اسـت: «چـون شـام زنـده بـودی، انتظـار صـبح را نداشته باش و چـون صـبح زنـده بـودی، انتظـار شـام را نداشـته بـاش و از ایـام تندرسـتی ات، بـرای ایـام مریـضی ات و اززنـدگی ات بـرای مرگـت ذخیـره نما»!

بـا وصـف نـا پایـداری ایـن عبـرت آبـاد و حقانیـت وجـود مـرگ، کـه سـرانجام روزی بـه سـراغ انسان می رسد، جداً بایـد بـاریکی یـک نکتـهٔ اساسـی، که مایه گیرنده از احـساس بنـی آدم اسـت، توجـه بایـد داشـت، کـه پیغمبـر بزرگـوار اسـلام(ص) بـه ارتبـاط جانسپاری فرزند گرامـی شـان چگونـه آن را تبـارز مـی دهند.

آری! حـضرت رسـول اکـرم(ص) هنگـام نـزع فرزند شـان (ابـراهیم) اشـک مـی ریختنـد. حینـی کـه حضرت عبدالرحمن بن عوف (رض) گفت:

یا رسول الله (ص) شما هـم گریـه مـی کنیـد؟ فرمودنـد: یـا ابـن عـوف! ایـن رحمـت اسـت. سـپس اضافه نمودند:

«چـشم مـی گریـد و دل محـزون اسـت و بـا آن هـم بـه جـز آنچـه کـه رضـای پروردگـار اسـت، چیـزی نمـی گـوییم. و ای ابـراهیم! مـا همـه گـی در فراق تو محزون و اندوهگین هستیم».

حـدیث مبارکـهٔ دیگـری را بـه روایـت اسـامه بـن زیـد(رض) کـه آن هـم در بـاب گریـستن رسـول مقبول«علیه افـضل الـصلواه و التحیـات» بـرای مـرگ کــودکی، در صــحیح البخــاری شــریف وارد شــده است، می آوریم:

«دختـر پیامبرخـدا(ص) کـسی را نـزدم فرسـتاد که طفلی از مـا، در حالـت قـبض روح اسـت و نـزد مـا بیـا! (اسـامه(رض) بـرایش سـلام فرسـتاد و گفـت: داد وگرفت همـه ازجانـب خداونـد(ج) اسـت و هـر چیـزی در نـزد خداونـد(ج) اجـل معینـی دارد. صـبرکن و مـزد خود را از خدا بخواه.

دختریغمبـر(ص) دوبـاره نـزد وی فرسـتاده و او را سوگند داد کـه حتمـا نـزدش بیایـد. اسـامه (رض) برخاسته و به معیـت سـعد ابـن عبـاده و معـاذبن جبـل و ابـی بـن کعـب و زیـد بـن ثابـت(رض) و اشـخاص دیگـری نـزدش آمـد. درایـن وقـت آن طفـل را کـه درحالـت نـزع بـوده و سـینه اش ماننـد ریگـی کـه در مـشک خـشکی بیفتـد، صـدا مـی کـرد، نـزد پیغمبـر خدا(صلی الله علیـه وسـلم) آوردنـد. اشـک از چـشمان پیغمبـر خـدا(صـلی الله علیـه وسـلم) جـاری گردیـد. سعد (رض) پرسید:

چرا گریه می کنید؟ فرمودند:

ایـن رحمتـی اسـت کـه خداونـد در دل بنـده گـان خـود قـرار داده اسـت. و خداونـد(ج) از بنـدگان خود کسی را رحمـت مـی کنـد کـه بـا رحـم و شـفقت باشد».

بـه حـدیث مبـارک دیگـری از پیغمبـر بـزرگ اسـلام(ص) کـه راوی آن انـس بـن مالـک(رض) است، توجه می کنیم:

«بـه جنـازه یکـی از دختـران پیـامبر خـدا(ص) حاضـرگردیدم و پیـامبر خـدا(ص) بـر سـر قبـرش نشـسته واشـک از چـشمان شـان جـاری بـود. انس(رض) می گوید: پیغمبر خدا(ص) فرمودند:

«آیـا در بـین شـما کـسی اسـت، کـه شـب گذشـته بـا همـسرش مقاربـت نکـرده باشـد؟ ابوطلحـه (رض) گفت: بلی! من.

فرمودند: «در قبرپایان شو»

انس (رض) می گوید:

اوهم در قبرپایان شد»

عید ملت

استاد خلیل الله خلیلی

جشن ملت روزعید مادراست
رازها در مقدم وی مضمراست
مادر ار فرزند نیک آرد به بار
عید او را صبح دولت برشمار
اصل نوروز سعادت روز اوست
روزمادر شمع شب افروز اوست
اولین مکتب بود دامان وی
دامن احسان بی پایان وی
آدمی را گر خدا آرد نخست
آدمیت را کند مادر درست
مادر فرخنده شاگرد خداست
اوستاد درسگاه کبریاست
***
شد سترون مادر مرد آفرین
سال ها این جا زمردان مهین
دیدهٔ ما کور شد از انتظار
زین بیابان بر نشدگرد سوار
برنشد از دامنی فریاد مرد
تا ستاند از زمانه داد مرد
نی حکیمی، آسمان پیرایه یی
عارفی، روشندلی، پرمایه یی
نی سخنگویی که با آواز حق
درنوا آرد دوباره ساز حق
نی طبیبی تا شناسد دردما
آه خوان آلود و رنگ زرد ما
نی سپهدار صف آرای دلیر
تا به میدان در شود مانند شیر
شیراما، نی که تسخیرش کنند
با فسون و مکر زنجیرش کنند
شیرسرکش کی چو شیرسرکش است
جرقهٔ خس کی حریف آتش است
آتشین خوی مظالم سوز کو؟
ناوک دشمن کش و دلدوز کو؟
برکش ای نی ناله، روزمادراست
روزمادر روز عید کشوراست

لذت یک لحظه "مادر" داشتن!

فریدون مشیری

تاج از فرق فلک برداشتن
جاودان آن تاج بر سرداشتن
در بهشت آرزو ره یافتن
هر نفس شهدی به ساغر داشتن
روز در انواع نعمت ها و ناز
شب بتی چون ماه در بر داشتن
صبح از بام جهان چون آفتاب
روی گیتی را منور داشتن
شامگه چون ماه رویا آفرین
ناز بر افلاک اختر داشتن
چون صبا در مزرع سبز فلک
بال در بال کبوتر داشتن
حشمت و جاه سلیمانی یافتن
شوکت و فر سکندر داشتن
تا ابد در اوج قدرت زیستن
ملک هستی را مسخر داشتن
برتو ارزانی که ما را خوش تر است
لذت یک لحظه "مادر" داشتن!

... واینچنین بود نظارهٔ رویش جوانه های حماسه در آن روزگار:

خطرها در رهٔ مردان نهادند

ملکزاد

داکتـر غـلام فـاروق اعظـم از رجـال فرهنگـی- سیاسـی دوران جهـاد اسـت کـه مزیـد بر دسترسی بـر هنرنویـسندگی گـاهی بـه سـرودن اشعار نیز مبـادرت ورزیـده اسـت. هرچنـد بـه قـول خـودش گرفتـاری هـای سیاسـی او را از حلقـات فرهنگـی وتحریـر و انـشاد مقالـه و شـعر دور داشـته اسـت، بـا ایـن هـم یـادش در اجتماعـات قلمداران محفوظ است.

وی در یکـی از رباعیـاتش- کـه مـا را فقـط توفیـق دسـت یـابی بـه آن رفیـق آمـد و بـس- فرومایگانی را مذمت مـی کنـد کـه حاکمیـت شـان برای جامعـه فاجعـه بـار بـود وبـرای مـردم مـصیب خیـز و ناهنجـار گرچـه مـی تـوان بـه عـام بـودن تعبیـر شـعر حکـم کـرد، ولـی بـی تردیـد بـودن کمونیست ها درقـدرت سیاسـی افغانـستان بـه ایـن ادعا مصداق دارد:

دسفله وحال بجلی ته پاتيري
چي پراس باندي سپريري نوخركيري
قام او ملك تول پرخواريري او تيري
خومره دي چی لاغتيري او لوريري

***

شاعرمتـصوف مـا اسـتاد گـل آقـا بیرنـگ نیـز نفـرین نامـه هـا و زمزمـه هـای شـورانگیز زیـادی دارد دررابطـه بـا نکـوهش کودتـای کمونیـستان وشـکوه ارزشـمندی انقـلاب اسلامی مجاهدان.

پیغـام او ریـشه کـن کـردن مغـیلان الحـاد است و نـشاندن نهـال رزم حـق طلبانـه بجـای آن تا همه گیر شود.

این هـم گوشـه یـی از دعـوت او سـت کـه می طلبد:

سر در ره حق خیز که جانانه گذاریم
از بهر خدا خانه و کاشانه گذاریم
ما دررهٔ ذلت به خدا پا نه گذاریم
بل پا به سر دشمن دیوانه گذاریم

اسـتاد بیرنـگ در دیـار هجـرت مجموعـه اشـعارش را بـه چـاپ رسـانده کـه متاسـفانه فعـلا در اختیار نگارنده قرار ندارد.

دو بیـت بـالا بـا انـدک تغییـر از لابـلای دفتـر "بـزم شـاعر" برگزیـده شـد، کـه بوسـینه ریاسـت مطبوعـات وزارت دعـوت وارشـاد مجاهدین چاپ شده بود.

***

محمدشـریف پیغـام از همکـاران پـرتلاش حلقـات فرهنگـی مـا در محـیط هجـرت بـود. اشـعارش بیـشتر درجریـده مجاهـد ومجلـه میثـاق خون اقبال طبع یافته اند. **ادامه در ۵**

زن را و مادر را باید گرامی داشت

پوهندوی عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



ظرف هفت سال شعار های بلند بالا پیرامون تامین و حقوق زن در جامعه از تریبون ها دولتی داده شده است. هرچند در ین مدت تعدادی از زنان کشور توانستند در مجالس قانون گذاری، هئیت کابینه و نهاد های آموزش و پرورشی ، به ویژه در شهر های بزرگ راه یابند، اما در مجموع این دست آورد ها، ویژه یی طیفی کوچکی از زمان تحصیل کرده بوده، اما در جامعه و دهات و قصبات و ولایات کمتر مجال رشد و بالندگی داشته اند

مقام مادر، در آیین مطهر اسلام؛ چنان عالی و با عظمت است، که بالاتر از آن جایگاهی نمیتوان یافت، طوریکه آنحضرت " ص" فرموده است. بهشت زیر گام مادران است. نخستین کسی که به دین مبین اسلام گروید، یک زن بود همچنان نخستین شهید در راه اسلام بی بی سمیه بوده است. همسران رسول اکرم"ص" چون مدرسه های بزرگی مسلمانان را رهنمایی می کردند. بی بی فاطمه زهرا، در کنار علی بن ابیطالب و شهامت حضرت بی بی زینب در سوگ سید شهداء امام حسین، حماسه های بزرگی اند که مانند قطب نمای روشن مسیر حرکت مسلمانان را روشن می کند.

در افغانستان نسبت به سایر کشور ها خشونت، تبعیض و بی تفاوتی در برابر زنان بیشتر بوده است. قطع نظر از حاکمیت های سیاسی و رژیم های دموکرات و استبدادی، در یک نگاهی جامعه شناختی، می توان گفت که ریشه بسیاری از مشکلات و نقض حقوق زن در افغانستان، در فرهنگ اجتماعی، در عرف، عادات، رسوم وعنعنات اجتماعی کشور ریشه داشته است. بهبود وضعیت زنان تا حد زیادی به تحول و دیگر گونی مثبت در عرف و فرهنگ اجتماعی بسته گی دارد. عرف اجتماعی هر چند در جوامع عمر طولانی دارد اما این گونه عوامل عقب گرا در افغانستان نسبت به سایر کشور ها عمر طولانی دارد که سال های درازی را در بر خواهد گرفت. نگاهی عمومی جامعه نسبت به زن یک نگاه عادلا نه نیست و زن به عنوان مادون و شخصیت درجه دوم در خانواده و جامعه به حساب آمده و جزئی با مایملک مرد، تلقی می گردد، که فقط باید از مرد اطاعت نموده و برای او خدمت کند. خشونت آشکار و پنهان در برخی از خانواده ها، حتا در محیط های روشنفکری و شهری در برابر زنان اعمال می گردد، که پاره یی از ین خشونت ها، پایین بودن آگاهی های دینی، حقوقی و مدنی خانواده ها، در مورد حقوق زن این خشونت های خانواده گی را تغذیه می نماید. کاستی ها در سیستم حقوقی و قضائی کشور، این پدیده را بصورت کنونی اش حفظ نموده است. کارشناسان عوامل مختلفی را در ین خشونت ها دسته بندی نموده است که از عوامل مهم آن فقر، پایین بودن سطح فرهنگی در میان برخی از خانواه ها، بحران های ممتد سیاسی و اجتماعی نبود اشتغال و کمبود قوانین و عملی نشدن قوانین احوال شخصی از سوی محاکم و نهادهای عدلی و قضایی را نام برد.

ظرف هفت سال شعار های بلند بالا پیرامون تامین و حقوق زن در جامعه از تریبون ها دولتی داده شده است. هرچند در ین مدت تعدادی از زنان کشور توانستند در مجالس قانون گذاری، هئیت کابینه و نهاد های آموزش و پرورشی ، به ویژه در شهر های بزرگ راه یابند، اما در مجموع این دست آورد ها، ویژه یی طیفی کوچکی از زمان تحصیل کرده بوده، اما در جامعه و دهات و قصبات و ولایات کمتر مجال رشد و بالندگی داشته اند. سخنانی که از جانب دولت در چهار چوب" حق زن " گفته شده است، پوشش برای جلب و جذب زنان، برای اهداف سیاسی دولت گفته شده است.

فقر و بیسوادی، به مثابه دو عامل تباه کن بر میزان این خشونت ها در افغانستان افزوده است. ما در جامعه افغانستان شاهد خود سوزی های بیشماری از زنان هستیم. مسایل جزیی است که حتا با نوهای شهری و روشنفکر هم از ین حادثات به دورنیستند. تشکیل وزارت زنان بسیاری از زنان تحصیکرده افغانستان به این باور اند که تشکیل وزارت زنان در کابینه کرزی یک حرکت نمایشی بوده و کرزی ظرف این سال ها ازین وزارت استفاده سیاسی نموده است. این درصورتی است که سازمان های حمایت از زنان درافغانستان سالانه میلیون ها دالر را در راستای مبارزه علیه خشونت و نا برابری در برابر زنان به مصرف می رساند، اما دست آورد و نتیجه آن تا کنون اندک بوده است.

خطرها در رهٔ مردان نهادند ...

او عقیده دارد که: زندگی را نباید تنها به مفهوم زیستن در رفاه و آرامی دراین جهان خلاصه کرد واین طرز اندیشه را با الهام از این (حدیث مبارک) متذکر می گشت که رسول اکرم فرموده اند:

الدنیا سجن المومن و جنهٔ الکافر (مسلم رح) (جهان زندان مومن و جنت کافراست) دنیا دارتکلیف وسختی برای آنانی است که به خدا و روز آخرت عقیده دارند و این تنها کافرانند که تمام حواس و اندیشه شان را خوشی وآرام بودن دراین جهان تشکیل می دهد.

کمونیستان که در ردیف دنیا طلبان عشرت اندیش قرار می گیرند، همواره برای نیل به آرزوی کامرانی می تپیدند، اکنون با رسیدن به قدرت این زمینه را برای خود مساعد یافته اند. "پیغام" در باب این موضوع چین اظهار نظر می کند:

به دانا لذت آلام دادند
به نادان عشرت ایام دادند
خطرها در رهٔ مردان نهادند
به نا مردان چه بد فرجام دادند

حالا با استقرار رژیمی وابسته به روس ها، مغیلان خطر و مصائب در فرا راه زندگی مسلمانان بیشتر وزیاد تر گسترده شده و این خطر پذیری ها و دردمندی ها راه را برای سفربهتر به دار عقبی فراهم می گرداند. داری که رفاه واقعی و لذت خلل ناپذیر و جاودانه در آغوش او برای مومنان مهیا ساخته شده است.

آنانی که طریق حق ناشناسی و ضلالت را طی می نمایند. نصیب آن ها، جز عذاب دردناک در آخرت چیزی دیگری نخواهد بود در جای دیگر پیغام با روی کار آمدن رژیم کمونیستی، مردم کشور را در پنجهٔ خونین بیداد و فتنه الحاد می بیند و اینکه در برابر چنین وضعی چه باید کرد؟ پاسخ را از زبان خودش می شنویم:

اسیر پنجهٔ بیداد تا کی؟
بدام فتنهٔ الحاد تاکی؟
غریو افکن به شهرو کوه وصحرا
خموش وابتر و ناشاد تا کی

***

"دمجاهد پیغام" شعری است از سراینده یی به نام "جلیل" . این اثر را می توان ازجمله اشعارآغاز جهاد به شمار آورد که علاوه بر جریده مجاهد در مجموعه "نواهای از سنگر گاه انقلاب" – گرد آورده شده به وسیله نگارنده نیز درج می باشد.

دراین بحث ابیاتی از شعر مذکور- که بوی احساس و غیرت اسلامی از آن به مشام می رسد، پیشکش میشود.

که می جهان ته دمسلم حیثیت غیرت ونبود
یا نړیوالوته مي خپل شال و شوکت ونبود
که مي وطن کښي دقران خخه خپورنکړ
نومرگ مي ښه دي زه لايق يياد ژوندون نه يم

انگیزه این ابراز احساسات همانا ایجاد نظام غیر دینی یا الحادی است که زمینه راه اندازهٔ مبارزه حق طلبانه را برای مجاهدین و مسلمانان فرا ساخته. اگر غیرت اسلامی در شریان ها به حرکت نیفتد و یا جهانیان بار دیگر شاهد تکرار یک انقلاب عظیم الشان و دشمن برانداز نشوند، زندگی دیگر ارزش خود را از دست می دهد و این برای شاعر مجاهد غیرقابل تحمل است.

***

مولانا عبدالرشید جوهری جوزجانی یکتن از علمای دینی واز جمله سخنوران ذولسانین بود وصاحب احساس و درد دینی و مردم دوستی در خور وصف. در اشعار دری فارسی و ازبکی او این خصوصیات را می توان به وضوح مشاهده کرد.

وی احوال پریشان مردم کشور وبارش نکبت وبدبختی بالای زاد وبومش را مربوط میداند به کودتای منحوس ۷ ثور ۵۷:

ثورینګ ایتی سیده بولدی پریشان اولکه میز
نامسلمان لارغه توشتی بومسلمان اولکه میز

ترجمه:

عامل پریشانی و حالت خراب کشورما، از اثر وقوع کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هـ ش است که درهمین تاریخ سرزمین ما در زیر سلطهٔ نا مسلمانان قرار گرفت.

ثورنینګ ینتچی سی هم جدی منینګ آلتنچی سی
تاریخ ایچره نحس و نکبت برله تولغان اولکه میز

ترجمه:

کشورما را دو روز در میان هاله یی از نکبت و مصیب و نحس قرار داده است. یکی از این روزها هفتم ثور است و دیگری ششم جدی.

مفسد وغدار وخائن لار قولیدین اوت توشوب
کویدی یاندی کول بو لوب مثل نیستان اولکه میز

ترجمه:

(میهن ما) به وسیلهٔ عناصر مفسد، خائن وغدار به آتش سوخت چنان سوختنی که نیستان را آتش افتد و بسوزد و به خاکستر تبدیل شود.

ظلم و استبداد برلن برچه بولدی بیوطن
بارایدی آواره لیک دردیغه درمان اولکه میز

ترجمه:

از اثر ظلم و استبداد(جنایتگران) همه بیوطن و متواری شدند و ترک میهن کردند. میهنی که بهترین درمان برای آوارگی می باشد.

کور، دودی هم کمیس دیب آلدا توب یلغان بلال
کیم بو یلغانچی قسم خور لارنی بیلګان، اولکه میز

ترجمه:

با شعار دروغین "کور، دودی، کمیس" یا نان لباس و خانه، مردم را فریفتند. ای هموطن چه کسی خواهد بود که حرف های این دروغگویان را باور نماید؟

کورنی اورنیغه بیروب گور وکمیس بولدی کفن
دودی اورنیغه بیروت مرمی، آلورجان، اولکه میز!

ترجمه:

میهنا! بجای خانه یا کور، گور دادند و بجای جامه = کمیس، کفن! و به جای نان = دودی، مرمی! (تا بدین وسیله) جان مردم را بستانند.

جامعه شناسی رأی دهندگان در افغانستان



هر گروه می تواند اشتراکات و تمایزاتی با گروه های دیگر داشته باشد، اما با اندک تأملی می توان گروه های را مشخص ساخت که دارای تمایلات، نیازها ومنافع معینی هستند که ستاد های انتخاباتی می توانند شعارها و برنامه های خویش را طبق آن تمایلات ونیازها تدوین نمایند.

جامعه شناسی رای دهندگان در مبارزات انتخاباتی اهمیت فراوان دارد، بدون چنین شناختی تدوین و تعیین پیام ها و برنامه ها، تشخیص ابزار و شیوه های تبلیغ و جلب حمایت رای دهندگان با موفقیت انجام نمی یابد و با وجود مصرف امکانات هنگفت، مبارزات انتخاباتی به نتیجه مطلوب نمی انجامد.

در این نوشته کوتاه کوشش می شود تا به جامعه شناسی رای دهندگان در کشور نگاه اجمالی صورت گیرد.

بافتار جامعه ما ازگروه ها ولایه ها متنوعی تشکیل شده است. حوزه کار کردی این گروه ها که با خطوط فرضی متمایز می شوند، در یک بافت موزائیکی دارایی پیوند ها و گسست های مختلفی می باشد.

هر گروه می تواند اشتراکات و تمایزاتی با گروه های دیگر داشته باشد، اما با اندک تأملی می توان گروه های را مشخص ساخت که دارای تمایلات، نیازها ومنافع معینی هستند که ستاد های انتخاباتی می توانند شعارها و برنامه های خویش را طبق آن تمایلات ونیازها تدوین نمایند.

از نگاه سنی جامعه ما به کودکان، جوانان، میانه سالان، وبزرگ سالان تقسیم می شوند، کودکان یعنی افراد زیر ۱۸ سال حق شرکت در انتخابات را ندارند. بنا براین آن ها شامل این بحث نمی شوند. گروه دیگر سنی جوانان هستند که، افراد ۱۸ تا ۳۰ سال را در بر می گیرند، درمیان گروه های سنی، جوانان هم از نگاه شمار و هم از نگاه داشتن تمایلات و نیازهای مشخص، می توانند یک گروه اجتماعی متمایز دانسته شوند، کار، تحصیل، دستمزد، ازدواج و خانه مهمترین مسایل جوان را تشکیل می دهد.

با وجود سرازیرشدن کمک های هنگفت جامعه جهانی به افغانستان، هنوزهم زمینه اشتغال و کار در کشور در پائین ترین سطح قرار دارد، دستمزدها پائین بوده، نیمی از خانواده ها با درآمد یک دالر در روز زندگی می کنند، شمار فراوان فارغان مکاتب، به دانشگاه ها راه پیدا نمی کنند و شمار اندکی از فارغان دانشگاه ها، به کار دست پیدا میکنند، نداشتن خانه، نداشتن هزینهٔ ازدواج، مشکل دیگر جوانان است.

البته نبود امنیت و ادامه جنگ ها و فسادگسترده در ادارات دولت نیز از مسایلی اند که جوانان را رنج می دهد.

نامزدان انتخابات باید، اشتغال، افزایش معاشات و کمک هزینه ها برای دریافت خانه وازدواج را در راس برنامه های خویش قرار دهند و برای تامین امنیت و پایان جنگ و ازمیان بردن فساد و بی عدالتی در دولت راه حل های مشخص پیشنهاد کنند.

البته جوانان درپهلوی مسایل عمدهٔ زندگی به گرایش های سیاسی، قومی ومذهبی نیز تمایل دارند، شماری از جوانان بنا براین گرایش ها، از کاندیداهای خاصی حمایت می کنند، اما هرچه سن جوانان بالا برود و با مسایل و دشواری های عملی زندگی روبرو شوند، تاثیر گذاری مسایل زبانی و قومی برای آن ها کمرنگ می شود.

معلمان و کارمندان دولت گروه دیگر اجتماعی است. هرچند که شمار این افراد شاید از سه صد هزار نفر فراتر نرود اما گروه موثر اجتماعی می باشند، یک معلم و یا کارمند دولت به آسانی می تواند اعضای فامیل خویش را متمایل به حمایت از کاندید معین سازد و در محیط کار بحث انتخابات وکاندیداها را مطرح کند ودیگران را متمایل به نامزد معین سازد.

پائین بودن معاشات مشکل عمده معلمین و کارمندان دولت است، بی عدالتی و فساد گسترده در ادارات نیز نا رضایتی های را به وجود آورده.

در میان مامورین و معلمین نیز گرایش های سیاسی و قومی تا اندازهٔ وجود دارد، اما چون آن ها به مسایل عملی زندگی و جامعه روبرومی باشند، به گرایش های سیاسی و قومی توجه اساسی ندارند.

نامزدان انتخابات باید افزایش معاشات و ایجاد شفافیت و برابری در ادارات را در برنامه ها و شعارهای خویش جای دهند.

شهرنشینی و روستا نشینی نیز می تواند جامعه افغانستان را به دو گروه دارای منافع و مسایل متفاوت اقتصادی و اجتماعی تقسیم کند.

روستا نشینان اکثریت جمعیت افغانستان را تشکیل می دهند. حدود ۶۰ درصد جمعیت کشور در روستاها زندگی می کنند. اقتصاد روستاها متکی به کشاورزی و تربیت مواشی است، در نتیجه رشد جمعیت و جنگ ها، اقتصاد روستا ها صدمه شدیدی دیده است.

نبود سیستم آب رسانی، نبود وسایل ماشینی زراعتی، نبود بذرهای اصلاح شده و آفات زراعتی و مالداری، مهمترین مشکلات روستا نشینان است، فقرو بیکاری و فقدان خدمات صحی، زندگی را برای روستانشینان طاقت فرسا کرده است.

برای روستان نشینان فقیر، سیرکردن شکم های گرسنه کودکان شان، بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد، جنگ ونبود امنیت، فقدان حاکمیت دولت و یا موجودیت ادارات فاسد دولتی مشکل عمده در روستاهاست.

در صورتی که روستانشینان فقیر و گرسنه، امکان انتخاب را داشته باشند به کسانی رای خواهند داد که مطمین شوند شکم گرسنه کودکان آن ها را سیر می کند. آن ها به طرح های مانند سیاست های فرهنگی و سیاست خارجی ارزشی قایل نیستند. اما درمناطق جنگی اکنون شماری از روستانشینان به مسایل خارجی علاقه گرفته طرفدار خروج نیروهای خارجی می باشند.

روستانشینان فرصت انتخاب درست را در دست ندارند، از یک سو حدود ۹۰ در صد روستانشینان بی سواد اند که این میزان در میان زنان به ۹۶ در صدمی رسد، هنگام رای دهی آن ها، از مامورین صندوق ها و رأی گیری از نامزد مورد نظر خویش می پرسند و یا تقاضا می کنند تا نامزد خوبی را برایش معرفی نماید. بنا بر این امکان تقلب گسترده در روستاها وجود دارد.

از جانب دیگر به علت نبود و وسایل ارتباطی مانند تلویزیون و رسانه های چاپی، امکان شناخت برنامه ها و پیام های کاندیدها برای آن ها میسر نیست، رادیو مهمترین رسانه و وسیلهٔ اطلاعاتی در روستاهاست.

عامل دیگری که روستانشینان را از انتخاب درست محروم می سازد، متنفذین قریه مانند شماری از اربابان، قوماندانان، امامان مسجد، ملکان، معلمان و تاجران هستند. اگرچه در مواردی برخی از این گروه ها، روستاییان را برای انتخاب درست کمک می کنند، اما گاهی با گرفتن رشوت از دلالان انتخاباتی و یا بر اساس تمایلات سیاسی و قومی، مردم را وادار می نمایند، از کاندید مورد نظر آنها حمایت کنند.

شهر نشینان که گروه دیگر اجتماعی اند، شامل کارمندان دولت، کارمندان موسسات غیردولتی، محصلان، کسبه کاران و تاجران می شود.

شهر نشینان دارای هدف ها ونقطه نظر های مشخص درمورد حکومت، نامزدان و برنامه های آنان می باشند، درمیان شهرنشینان مسایل عملی زندگی مانند، کار، دستمزد و خدمات شهری چون برق، سرک، آموزش و پرورش ونرخ ها اهمیت اساسی دارد.

مسایل سیاسی، فرهنگی، قومی و مذهبی برای برخی از شهرنشینان اهمیت دارد و براساس آن تصمیم می گیرند. اما روی هم رفته مسایل زندگی مانند اقتصاد، کار، دستمزد و خدمات شهری برای شهرنشینان تعیین کننده است.دست رسی شهر نشینان به رسانه ها کار ساده است، مخصوصا شهروندان پایتخت که برخی آن ها می توانند با نامزدان رابطه بر قرار کنند و از نزدیک آن ها را بشناسند. بنابراین آن ها تا اندازهٔ آگاهانه تصمیم می گیرند

فکر می شود در صورتی که نامزدان تبلیغات گسترده و سازمان یافته را سازماندهی کنند. باشندگان شهرها، مخصوصا باشندگان کابل، با وجود تنوع قومی و مذهبی می توانند به شعارها و برنامه های نامزدان رای بدهند و موضع گیری دلالان و معامله گران را که از نام مردم امتیاز می گیرند رد کنند.

نامزدان و ستادهای انتخاباتی باید درک درستی از جامعه شناختی رای دهندگان داشته باشند، تا در روشنایی آن، مشکلات، نیازمندی ها و تمایلات و خواسته های رای دهندگان را بشناسند و آن ها را در برنامه ها و پیام های خود بگنجانند.

جامعه از نگاه جنسیتی به دو گروه زن و مرد نیز تقسیم می شود، تا هنوز مسایل خاصی برای مردان مطرح نشده است، اما زنان دارای مسایل و نیازهای مشخصی هستند که می توان آن ها را به عنوان یک گروه اجتماعی در نظر گرفت. زنان جامعهٔ ما دارای مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و امنیتی می باشد، ایجاد زمینه های کار، ارائهٔ خدمات اجتماعی و صحی از تقاضاهای زنان است.

چنین شناختی نامزدان را قادر می سازد جغرافیای پیام خویش را تشخیص بدهند و گروه های مخالف را بشناسند، جهت انتخاب ابزارها و شیوه های تبلیغ و کار مبارزات انتخاباتی به چنین شناختی ضرورت اساسی احساس می شود.

ازنگاه جامعه شناسی رای دهی، جامعهٔ ما دچار اقتطاب ها و بلاک بندی های متفاوت و متنوعی است، هویت های قومی، زبانی و مذهبی عملا جامعه را دچار چند پارچگی و گستگی ساخته است، کتله های اجتماعی هستند که از قبل تصمیم دارند برای کدام نامزد رای بدهند و برای کدام نامزدان هیچ رای ندهند.

در این میان اکثریت مردم دارای دغدغه ها، نیازها و هدف های هستند که خواستگاه قومی و اجتماعی نامزدان در آن نقشی ندارد.

تصمیم این گروه است که امید به دموکراسی، اصلاحات و قانون گرایی را تقویت می کند و انسان را به فردای بهتر امید وار می سازد.

اما گروه های که بنا برتمایلات و تعلقات قومی و زبانی قبلا تصمیم گرفته اند، از کدام نامزد حمایت کنند وبا کدام نامزد مخالفت کنند، روند منت سازی و ایجاد حکومت سالم در کشور را به بیراهه می کشانند و تصمیم آن ها جز فساد بیشتر و ضعف روز افزون حکومت وایجاد فاصله ها نتیجه دیگری نخواهد داشت.

هدف از شناخت رای دهندگان و تشخیص تمایلات آنها، تدوین برنامه ها و پیام های است که بتواند رضایت آن ها را جلب کند، یک برنامه خوب در انتخابات کنونی افغانستان، باید خواسته های جوانان را درنظر بگیرد، به مشکلات و تقاضاهای روستانشینان توجه جدی نماید، برای رفع نیازمندی های شهر نشینان اقدامات عاجل و اساسی را پیشنهاد کند. و برای حل مشکلات زنان راه حل مشخصی ارایه کند.

در برنامه های نامزدان، باید مسایل ذیل در جایگاه شایسته قرار گیرد، آن طوری که اشاره شد، اقتصاد اولویت مهم همه گروه های اجتماعی و رای دهندگان را تشکیل می دهد، کاهش فقر، ایجاد کار واشتغال، افزایش معاش ها و دستمزدها، یافتن راه حل برای ازدواج و خانه، تامین برق، سرک و خدمات شهری از خواسته های عمده مردم افغانستان است.

داشتن حکومت بهتر، مبارزه با فساد و قانون شکنی اصلاحات در نظام سیاسی افغانستن، ازمیان بردن نگرانی اقوام وتضمین تامین عدالت و حقوق برابر شهروندان، نیازهای مبرم جامعه افغانستان است. تامین امنیت و پایان جنگ، تامین آزادی های اساسی، حفظ ارزش های دینی وجلوگیری از مفاسد اجتماعی، از جمله خواسته های اصلی مردم افغانستان است.

اضطراري لويه جرګه

د تاريخ په غيږ کې



افغانانو چې د نږدې درويشتو کلونو راهېسې په خپل هېواد کې د پرله پسې جګړو او نا امنيو ناخوالې ليدلې وې، د نړيوالې ټولنې په نوښت لومړی د بن کنفرانس ته او بيا د هغې په نتيجه کې د طرح شوو پروګرامونو او پريکړو د تطبيق او لاسته راوړنو لپاره ډېر ليواله وو.

له اتم مخ نه

د هېواد د ننه په پلازمينه کابل کې د اضطراري لويې جرګې رابلل او د هغې لپاره تياری نيول وو چې د شپږو مياشتو په دوران کې دغه اضطراري لويه جرګه د نږدې پنځلس سوه استازو په ګډون په هغه لويه خيمه کې دا ېره شوه چې د جرمني هېواد لخوا د همدې ډول غونډو د تدوير لپاره ورکړای شوې وه. او د دغې جرګې انعقاد د بُن د پريکړو لومړی قدم وو چې عملي شو او حامد کرزی يې د لنډ مهالې (شپږو مياشتو) د دورې له تکميل وروسته په همدې جرګه کې د منځمهالې دورې (اتلسو) مياشتو نورو لپاره د ولسمشر په توګه وټاکه که څه هم د دغې جرګې د يو ډول عجيبو انتخاباتو په نتيجه کې جرګې لپاره غوره شوی وو او په ټګلاره يې د ډېرو افغانانو لخوا هغه مهال هم نيوکې شوې وی؛ ځکه د هېواد په ولاياتو او ولسواليو کې خلکو لکه د پسونو په څېر د شمار له لياری خپل استازي د دغه جرګې لپاره غوره کړل چې په ډېرو ځايونو کې د زور او زر د خاوندانو بختونه وځليدل او دغې اضطراري جرګې ته راغلل چې اوه کلونه مخکې د جوزا د مياشتې په دوه ويشتمه نېټه د افغانستان دولت ته هديه شوې خيمه کې سره راغونډ شول او د جرګې د رياست لپاره د پوهاند سياف لخوا د قاسمي په حق کې له تيريدو په نتيجه کې نوموړی د دغې جرګې مشر غوره کړای شو او د افغانستان د راتلونکې منځمهالی دورې لپاره د څلورو تنو کانديدانو ترمينځه د جرګې غړو انتخاب وکړ چې حامد کرزی له دولس سوو څخه پورته رايو په ورلو سره ولسمشر انتخاب شو او نړيوالې ټولنې د بُن د غونډې د نورو پريکړو د تحقق او لاسته لپاره .چې په کې پدغه موده کې د هېواد لپاره د اساسي قانون جرګې را بلل او د هغې لپاره د انتخابونو سرته رسول، د ملی اردو او ملي پوليسو او نورو ټولو شړيدلو ادارو د بيا رغاونې او هم په هر اړخيزه توګه د افغانستان د بيا آبادۍ او له سره نوې ټولنې جوړښت شامل وو، د حامد کرزي له دولت څخه د ملاتړ او هم د مرستو په ورکولو سره خپلې ژمنې اعلان کړې.

افغانانو چې د نږدې درويشتو کلونو راهېسی په خپل هېواد کې د پرله پسې جګړو او نا امنيو ناخوالې ليدلې وې، د نړيوالې ټولنې په نوښت لومړی د بُن کنفرانس ته او بيا د هغې په نتيجه کې د طرح شوو پروګرامونو او پريکړو د تطبيق او لاسته راوړنو لپاره ډېر ليواله وو، که څه هم د بن جريان په خپل ذات کې د عجلې په بنياد نيمګړي او غير متوازن وو- خو د دې سره سره هم افغان ولس د دې انتظار ويسته چې حامد کرزي به د خپلې کابينې په لټ دغه څپو راخستې کشتۍ ساحل ته پورې باسي، په داسې حال کې چې د بن د جريان په مهال هم د غونډې اکثريت د نوموړي په حق کې نه، بلکې د ښاغلي سيرت په حق کې وو، خو د امريکا او نړيوالې ټولنې دا ګمان وو چې نوموړی به وکولای شي د طالبانو او نورو مخالفينو ته د يو پښتون ولسمشر په توګه ځان د قناعت وړ وګرځوي او د هغوی په صفونو کې د درز په پيدا کولو سره به د نوي دولت لپاره ګواښونه او مقاومت له مېنځه يوسی. چې په اضطراري لويه جرګه کې بيا هم ګډونوالو او د دغې ټکي په نظر کې نيولو لپاره حامد کرزي ته رايه ورکړه خو کرزي د خپلې واکمنۍ په منځمهاله دوره کې د لويديځ په اشاره د جهادي شخصيتونو په پرتله د لويديځ نازولوته ډېره پاملرنه وکړه او هغه مهال د رسنيو هغو پوچو تبليغاتو ته غېږ نشو چې د يو منظم سازش له لياري د جهاد د ارزښت د کمولو په منظور د پخواني شوروي اتحاد د زور اوبه کوونکو مجاهدينو پرخلاف کيدل چې دا هم د دې لامل شو چې افغانانوته د کرزي دولت د افغانستان د مسلمان ولس د ارمانونو په پرتله د امريکا او لويديځ د ارمانونو لپاره کارکوونکی ښکاره شو.

او بيا نږدې يو نيم کال وروسته د اساسي قانون جرګې لپاره روانو تياريو، پاليسيو او ان تر دې چې د جرګې په مهال او بيا تر هغې وروسته هم د کرزي ناکامه دولت او د لويديځ بيځايه لاسوهنو د دغه دولت باور په خپل ولس کې له يوې ورځې څخه بلې ته نور هم کمزوری کړ؛ د مثال په توګه د اساسي قانون د جرګې پر مهال د ژبې او سيمې تړاوونو پالول، چې د يو څو ورځو لپاره يې جرګه هم له بن بست سره مخ کړې وه او د جرګې اکثره ګډونوال ان تر دې چې جهادي مشران هم د دې توطيې ښکار شو او د يو شمير لويديځ پالونکو لخوا د دوه ګونې تابعيت د منلو او آزاد بازار د تحميلولو هڅو او... او هم د اداري اصلاحاتو په نوم د يوې داسې اداري مېنځ ته راتګ چې د خود خوريې پاليسی يې مخکې يوړې او په ارګ کې د ولسمشر کرزي په شاوخوا کې د جهاد او اسلامي ايډيالوژۍ مخالفو مشاورينو او يا په کابينه کې شتون د دې لامل شو چې د ولس د مجاهدو پرګنو باور نور له کرزي دولت څخه پاڅيږي او د مخالفينو ترڅنګ ودريږي چې د دې ټولو ناخوالو لامل د اضطراري جرګې ناکاره پريکړه، يا په بله معنا ناکامه اضطراري جرګه وه .ځکه دغه جرګې چې اوس اوه کلنه شوه او د بُن د پريکړې لومړۍ پايله وه .ونشو کولای چې د هېواد ټولو پرګنوته د منلو وړ زعامت يې ټاکلی وای چې د هغه د با بصيرته کړنو او پاليسيو په برکت نور د مخالفت او جګړو تغر ټول شوی وای، نو ځکه دغه جرګه د بُن د ناکامو پريکړو يوه ناکامه پايله ګڼلی کيږي.

اجلاس پیشین شورای ملی ...

نماینده مردم کابل مهمترین چالشی برسرراه کاری وکلای مردم را نبود فرهنگ نظارت و نظارت پذیری در نهاد های دولتی یاد کرد.

به باور وی، وقتی شورای ملی وزیری را راجع به یک موضوع کلان ملی احضارکرده و مورد استجواب قرار می دهد، وزراء فکر می کنند که این کار به اساس دشمنی با آنها صورت می گیرد. این در حالی است که قانون به نمایندگان مردم حق می دهد تا چنین کاری را که بستگی و رابطه به زندگی شهروندان کشوردارد، انجام دهند و این طرز نگاه و برداشت غلط کلانترین چالشی برسر راه صلاحیت نظارتی نمایندگان مردم است که بار بار بین حکومت و شورای ملی جنجال هایی را به وجود آورده است.

احمد بهزاد نمایندهٔ مردم هرات در رابطه به رخصتی های تابستانی شورای ملی گفت: از آن جایی که کار شورای ملی اساساً در دو عرصه؛ قانون گذاری و نظارت بر آن می چرخد، خوب است که در ابتدای رخصتی ها از ناکامی های شورای ملی نام ببریم، زیرا نمایندگان مردم هرچند تلاش های زیادی کردند اما در عرصهٔ قانون گذاری و نظارت بر اعمال حکومت شاهد ناکامی های زیادی نیز بودیم.

زیرا قوانین تأثیرگذار وکارا از سوی حکومت رد و یا "وتو" می شود و یا در طاق نسیان گذاشته می شود که مثال آشکار آن به فراموشی سپردن قانون رسانه های همگانی است.

وی رئیس جمهور کرزی را به خاطر اجرا نشدن قانون متهم به نقض قانون نموده و ارجاع قانون را به دادگاه عالی غیر قانونی خواند و دادگاه را بازیچهٔ دست کرزی عنوان نمود.

از سوی دیگرآقای بهزاد ناکامی دوم مجلس نمایندگان را درناکامی آنها در سلب اعتماد وزاری ناکار آمد و بحران ساز حکومت کرزی دانسته، کرزی و تیم کاری وی را متهم با اعمال نفوذ در بین وکلاء و خریداری یک عده از آنها دانست. وی گفت، برخی از وکلاء به نفع حکومت کار می کنند، آنها در استیضاح کریم خرم وزیر فرهنگ که هیچ اعتنایی به ارزش های فرهنگی و ملی مردم افغانستان ندارد از حکومت حمایت کردند.

این عملکرده ها نشان داد که حکومت در درون و امور پارلمان تأثیر زیاد دارد. وی تأکید کرد که در آن هنگام وکلاء با مبالغ هنگفت پول خریداری شدند، و این مبالغ به عنوان سفریه در خارج از کشور و دیگر امتیازات غیرقانونی در خدمت تیم کرزی قرار گرفته است.

آقای بهزاد، اجلاس گذشته شورای ملی افغانستان را اجلاس ناکامی های بزرگ شورای ملی نامید.

به باور وی حکومت غیرقانونی کرزی مسایل وموارد‌ی را به عنوان قانون می مطرح می کند تناقض صریح با بندهای قانون اساسی دارد.

هزاران تن از اهالی غرب کابل ...

به معاملهٔ یک عده به نام رهبر، رای دهند، بزرگترین خیانت است.

زاهدی اشاره کرد که هجوم کوچی ها در بهسود به دستور کرزی بوده و هزاران تفرقه ی دیگر نیز به دستور او صورت می گیرد که باعث اغتشاش در میان مردم می شود. وی تأکید نمود که حمایت از دولت فعلی به معنای تکرار یک اشتباه است.

عبدالله فکور یک تن از دانشجویان اشتراک کننده در این محفل هم اظهار داشت که هیچ وجدان آگاهی قبول نخواهد کرد که دوباره دولت فعلی را با همه ناکارآمدی هایش حمایت کند.

مولانا قربان؛ نمایندهٔ داکتر عبدالله، در سخنانی گفت: هدف عمده ی ما آوردن تغییر است، تغییر در نظام و تغییر در وضع زندگی مردم. وی انتخابی شدن والی ها و تغیر نظام ریاستی به نظام پارلمانی را از جمله ضرورت های اولیه در نظام حکومتی کشور دانست.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ دوازدهم ۲۳ جوزا ۱۳۸۸-۱۹جمادالثانی۱۴۳۰ - 13- June 2009

اضطراري لویه جرگه

د تاریخ په غېږ کې

شفیق



او بیا نږدې یو نیم کال وروسته د اساسي قانون جرگې لپاره روانو تیاریو، پالیسیو او ان تر دې چې د جرگې په مهال او بیا تر هغې وروسته هم د کرزي ناکامه دولت او د لویدیځ بیځایه لاسوهنو د دغه دولت باور په خپل ولس کې له یوې ورځې څخه بلې ته نور هم کمزوری کړ؛ د مثال په توگه د اساسي قانون د جرگې پر مهال د ژبې او سیمې تړاوونو پالول، چې د یو څو ورځو لپاره یې جرگه هم له بن بست سره مخ کړې وه

له نن څخه اته کلونه مخکې کله چې د سیتمبر د یوولسمی نیټې د پېښې د عکس العمل په توگه پر هېواد حاکمه طالب واکمني د امریکا لخوا د کروز توغندیو د ویشتلو او بې دوه پنځوس چورلکو د بمباریو په نتیجه کې له مینځه ولاړه، نو نړیوالې ټولنې د ملگرو ملتونو د امنیت شورا د یو پریکړه لیک په نتیجه کې د ایساف په نامه څو هېوادیزه ځواکونه زمونږ هېوادته راولیږل او ورسره هم په سیاسي ډگر کې د جرمني د بُن په ښارکې هغه مهال د افغانستان د لانجې د حل لپاره د فعالو سیاسي لوریو لخوا چې د طالبانو له رژیم څخه د مخه د افغانستان دولت د مهمو سیاسي څېرو په شمول د روم، قبرص او پېښور د جریانونو په مطرحو څېرو مشتمل وو، د جرمني هېواد په کوربه توب، د ملگرو ملتونو تر سرپرستی لاندې د بُن کنفرانس دایر شو چې په کې د شلو په شاوخوا کې افغاني مطرحو څېرو او د ډېرو جهادي تنظیمونو استازو برخه اخیستې وه څو د افغانستان د لانجې د سیاسي حل په منظور او د یو انتخابي دولت د مینځته راتگ لپاره یې ځینې پریکړې وکړې، چې د هغو پریکړو څخه یوه یې

پاتې پر۷مخ

دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار گردید



دهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران روزجمعه ۲۲ جوزا برگزار شد

دراین انتخابات محمود احمدی نژاد رئیس جمهورکنونی، مهدی کروبی، رئیس پیشین مجلس، میرحسین موسوی، نخست وزیر سابق ومحسن رضایی فرمانده پیشین سپاه اشتراک دارند.

چهارهفته مبارزات انتخابات درایران، شاهد رقابت شدید میان نامزدان و هوا داران آن ها بود، گفته می شود



مردم ایران به صورت بی سابقه به این انتخابات علاقه گرفتند و درآن شرکت نمودند.

مناظره های تلویزیونی که میان نامزدان صورت گرفت، با دلچسپی فراوان ازطرف مردم استقبال گردید؛ دراین مناظرات احمدی نژاد با تکتیک انتقاد از مسوولان سابق حکومت، حکومت خود را مردی ترین حکومت های ایران خواند، اما نامزدان دیگر ریاست جمهوری، انتقادهای تندی از حکومت وی انجام دادند وکارکرد اقتصادی و سیاسی حکومت احمدی نژاد را ناکام معرفی کردند.

فکر میشود رقابت شدیدی میان احمدی نژاد رئیس جمهور کنونی که مورد حمایت اصول گرایان است و میان موسوی نخست وزیر سابق که از حمایت اصلاح طلبان برخورداراست، صورت خواهدگرفت.

وزارت کشور ایران افراد واجد شرایط برای رای دادن را بیش از ۴۶ میلیون نفر اعلام کرده است که در ۴۵ هزار محل رای گیری آرای خود را به صندوق های خواهند انداخت.

گفته میشود جوانان که خواهان آزادی های بیشتر می باشند از موسوی حمایت می کنند، اما لایه های فقیر جامعه و روستا نشینان احمدی نژاد را انتخاب خواهندکرد.

کشورهای دیگر نیز به انتخابات ایران علاقه گرفته، تغییررژیم در ایران را برای موفقیت گفتگوهای هسته یی آن کشور مفید می دانند.

اما صاحب نظران تغییر رژیم درایران را درمسایل استراتژیک آن کشور زیاد موثر نمی دانند، جمهوری اسلامی ایران با ایجاد نهاد ها ومراکز متعدد قدرت، امکان تغییرات دراماتیک را از میان برده است.

اجلاس پیشین شورای ملی و

ناکامی های بزرگ

گزارش از نذرالله عنایت

نمایندگان مردم درشورای ملی، درسال چهارم دورکاری شان به تاریخ پانزدهم جوزا به رخصتی های تابستانی رفتند.

اما این که نمایندگان در سال چهارم دورهٔ کاری شان چه کارهای را انجام داده اند و در این جریان با چه مشکلات و چالش ها برخوردند، این موضوع را درگفتگویی با دوتن ازاعضای مجلس نمایندگان شورای ملی درمیان گذاشتم.

سیدحسین عالمی بلخی نمایندهٔ مردم کابل در مجلس نمایندگان گفت: مجلس نمایندگان در سال چهارم کاری خویش، در مجموع ۸۹ قانونی را که در اولویت کاری حکومت قرار داشت و به اساس آخرین گزارش که رئیس شورا ارایه کرد بالای این قوانین کارهایی صورت گرفته است .

به گفته وی شورای ملی وظایف خویش را در عرصهٔ قانون گذاری تا اندازه یی انجام داده و دست آوردهای قابل ملاحظه در این عرصه دارد. اما با توجه به این که در سال جاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در کشور برگزار می گردد، لازم بود قانون انتخابات از سوی شورای ملی پیش از این به





تصویب می رسید تا طبق آن انتخابات برگزا می شد، این که چرا از سرنوشت قانون انتخابات خبری نیست، آقای بلخی در مورد می گوید، برخی مواردی نیاز به تفسیرداشت، زیرا عده یی به این باور بودند که مواردی درقانون انتخابات وجود دارد که در مخالفت با قانون اساسی قرار دارد. چون مرجعی وجود نداشت که قانون را تفسیرکند،

بنا بر آن موضوع قانون انتخابات و قوانین دیگری که ضرورت به تفسیردارد به مراحل بعدی ارجاع گردید تا مرجع و نهاد تفسیر قانون به وجود بیاید.

از آقای بلخی پرسیده شد که طی سال گذشته خوبترین فیصلهٔ شورای ملی چه بوده؟ وی افزود بهترین اقدامی که از سوی شورای ملی در سال گذشته صورت گرفت، طرح و فیصله یی بود که حضور و فعالیت نیروهای خارجی را درکشور قانونمند ساخته و نظارت جدی برتمام فعالیت های آنها پیشنهاد نمود. دولت نیز این را پذیرفته و بالای مسودهٔ این قانون کار می کنند. اما این که این مصوبه ها و قانونگذاری ها چه قدر می تواند بر عملکرد نیروی های خارجی اثر داشته باشد، چیزی نمی توان گفت.

ادامه درص۷